

تاریخ مدارس جدید (دوره قاجاریه) در کردستان

● نادر کریمیان سردشتی*

اشاره

نظام آموزش و پرورش جدید در ایران بیش از یک سده قبل در دوره حکومت قاجاریه پایه گذاری شد. در این برهه از تاریخ بود که مکاتب و بنیادهای نظام آموزشی سنتی و کهن، اندک اندک با ایجاد مؤسسه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت جدید رو به کاهش گذاشت. این وقایع روی تمامی سطوح اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تأثیر گذاشت. البته در این جایگزینی و دگرگونی آموزشی که چندان هم سهل و آسان نبود، عوامل فراوانی مؤثر بودند. از جمله می توان به تحولات و دگرگونی‌های سده نوزدهم کشورهای اروپایی و غرب اشاره کرد. این تحولات فرهنگی و آموزشی در ایران به تدریج با تأسیس دارالفنون (پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ هـ ق) آغاز شد.

در ولایت کردستان نیز در همین دوره به تأسیس چندین مدرسه جدید اهتمام شد که بعدها پایه‌های اساسی نسل جدیدی را تشکیل داد که با پیدایش و گسترش آن، تأثیرات خود را بر جامعه سنتی آن دوران گذاشت. البته نباید از تلاش همیشگی غرب و بیگانگان بر نفوذ فرهنگی خود، در این حوزه نیز نادیده گرفته شود که قطعاً به تبع آن به دنبال نفوذ سیاسی بودند. در این جستار علاوه بر تاریخچه و معرفی مدارس مؤثر و تأثیرگذار کردستان در دوره قاجاریه، به آثار و تبعات نظام آموزشی جدید بر جامعه کردها نیز پرداخته شده و دگرگونی‌های علمی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

□ سر سخن

پیدایش و گسترش مدارس جدید نتیجه دو عامل عمده داخلی و خارجی بود: یکی ضرورت‌ها و نیازهای داخلی جامعه، دو دیگر تحولات قرن نوزدهم اروپا در عرصه‌های گوناگون علمی و فنی. این عوامل برخی مصلحان و اندیشمندان را بر آن داشت تا برای

Email: NK-sardashti@yahoo.com

*عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

جبران عقب‌ماندگی‌های اجتماعی و فرهنگی به اروپا و دستاوردهای آنان متوسل شوند (قاسمی پویا، ۱۳۶۹ ش: ۷۴۸).

در پیدایش و گسترش مدارس جدید، هیئت‌های خارجی، روزنامه‌نگاران، روشن‌فکران اجتماعی، تحصیل‌کردگان خارج از کشور، روحانیون، رجال و دولتمردان فرهنگ‌دوست، برخی تجار و بازرگانان، انجمن‌های مردمی و فرهنگی، و نهادهای رسمی دولتی و سیاسی تأثیر داشتند. همچنین یکی از عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش مدارس دوره قاجار، نهضت مشروطیت بود. بسیاری از بنیان‌مدارس جدید همان کسانی بودند که برای استقرار مشروطیت نیز تلاش می‌کردند و پیش از انقلاب مشروطیت نیز از پیشگامان مدارس جدید بودند. یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطیت، نهادی شدن آموزش و پرورش و قانونی و دولتی شدن آن بود.

تفاوت آشکار مدارس جدید با مکتب‌خانه‌ها، در درجه نخست، در اهداف و برنامه‌ها، روش‌ها و محتوای آموزشی بود؛ به طوری که دروسی از علوم و فنون جدید در آن راه پیدا کرد، جای مدرسه، وسایل و تجهیزات آموزشی دگرگونی یافت و برای گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر امتحانات رسمی برگزار شد.

در این دوره، مدارس به دروس نظری و نخبه‌پروری پرداختند، اما محتوای دروس مناسب اوضاع و احوال جامعه و به‌ویژه فرهنگ آن نبود. علی‌رغم بهبود روش‌های آموزش، محور آموزش کتاب و معلم بود و به کودک و روان‌شناسی و تفاوت‌های فردی و دیگر جنبه‌های آموزشی عنایت نمی‌شد (دولتی، ۱۳۷۸ ش: ۳۹۸).

به هر روی حرکت نظام آموزش نوین از امیرکبیر صدراعظم آغاز شد. برجسته‌ترین اقدام میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۲۲۲-۱۲۶۸ق) تأسیس دارالفنون بود (پنجم ربع‌الاول ۱۲۶۸ق) به سبب نیاز به فنون جدید، امیرکبیر اعزام محصل به خارج را کافی نمی‌دانست و در نیت داشت که با تأسیس کانون‌های آموزشی، نیروی انسانی در عرصه‌های گوناگون نظامی و فنی تربیت کند.

چهل سال پس از امیرکبیر، مرحوم حاج میرزا حسن رشدیه (۱۲۶۷-۱۳۶۳ق) نخستین دبستان را در تبریز (۱۳۰۵ق) بنیاد نهاد. این مرد بزرگ با شیوه آموزش صوتی، تحولی در امر آموزش به وجود آورد و دانش‌آموزان توانستند در سه یا چهار ماه بخوانند و بنویسند. رشدیه محتوای مطالب درسی را از نظر سادگی نسبی دگرگون ساخت و مطالب را با سن و سال دانش‌آموزان هماهنگ کرد (قاسمی پویا، ۱۳۶۹ ش: ۲۵۵).

از آن پس به تدریج بر تعداد مدارس افزوده شد: «مدرسه مشیری» در سال ۱۲۸۸ق به دست میرزا حسین‌خان سپهسالار، «مدرسه خیریه» در سال ۱۳۱۵ق در زمان صدارت امین‌الدوله، به دست میرزا کریم‌خان سردار معظم فیروزکوهی امیرتومان و «مدرسه علمیه» که به عنوان نخستین اقدام فرهنگی انجمن معارف احتشام‌السلطنه و علی‌خان ناظم‌العلوم بادو بخش ابتدایی و علمی (متوسطه) در سال ۱۳۱۵ق تأسیس یافت.

همچنین مدرسه‌های افتتاحیه در سال ۱۳۱۶ ق به دست میرزا محمودخان مفتاح‌الملک، شرف مظفری در سال ۱۳۱۶ ق با پشتیبانی انجمن معارف تأسیس شدند. سرانجام در سال ۱۲۹۷ ش تعداد مدارس جدید ایران به ۲۹۵ واحد رسید که بیش از ۲۳۰۳۲ نفر در آن‌ها تحصیل می‌کردند.

در ۲۷ شعبان ۱۳۲۸، مجلس شورای وقت قانون تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد و رسیدگی به تمام امور مدارس و تعلیمات مملکت را به این وزارت سپرده شد. در تاریخ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹، مجلس شورا قانونی وضع کرد که به موجب آن وزارت معارف مکلف شد ۹ مدرسه ابتدایی شش کلاسه (پنج واحد در تهران و چهار واحد در شهرهای مشهد، شیراز، تبریز، کرمان) با اعتبار سالانه هر مدرسه تهران ۲۵۰ تومان و شهرستان‌ها ۲۰۰ تومان تأسیس کند.

به این ترتیب، دولت به تدریج وظیفه آموزش را به عهده گرفت، اما در همان زمان، تعداد مدارس ابتدائی، متوسطه، مکتب‌خانه‌های قدیم و مدارس عالی (پسرانه و دخترانه) به ۶۱۲ واحد می‌رسید که در آن‌ها ۵۵۱۳۱ نفر تحصیل می‌کردند. این تعداد در پایان دوره قاجار یعنی سال تحصیلی ۱۳۰۴ - ۱۳۰۳ ش به ۲۳۳۶ واحد و ۱۰۸۹۵۹ شاگرد رسید (دولتی، ۱۳۷۸ ش: ۳۹۹ - ۳۹۸).

شایسته است در اینجا نکته‌ای را در تحول وضع فرهنگی کردستان و گذار از جامعه سنتی به جامعه «نوگرا» متذکر شویم: در مسیر تحولات نظام آموزشی دوره قاجار و پهلوی، چهار مرحله یا چهار نوع تعلیمات به‌عنوان «قانون» تصویب، تثبیت و اجرا شد؛ یکی در دوره قاجار و سه دیگر در آغاز دوره پهلوی:

۱. تعلیمات اجباری

۲. تعلیمات اکابر

۳. تعلیم و تربیت توأم (دخترانه - پسرانه)

۴. تعلیم و تربیت مترقی (کاربردی - آزمایشگاهی) (مصاحب، ۱۳۶۵، بخش ۱: ۶۵۰ - ۶۴۸).

ما در اینجا به سه نوع تعلیمات اخیر نمی‌پردازیم، زیرا در دوره پهلوی اجرا و قانونمند شدند، ولی به موضوع تعلیمات اجباری که در دوره قاجار طرح و تصویب شد، اشاره‌ای خواهیم کرد. در سال ۱۳۲۹ ق، به موجب ماده سوم قانون اساسی معارف، تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری شد و والدین مکلف شدند اطفال خود را از هفت‌سالگی به تعلیمات ابتدایی وادارند. به نظر نگارنده، مؤثرترین قانون تحول اجتماعی - فرهنگی در ایران و نیز کردستان همین قانون «تعلیمات اجباری» بود که همه آحاد ملت ایران را به سوادآموزی مجبور می‌کرد. البته به‌منظور اجرای این امر در سال ۱۳۰۶ ش، یعنی در اوایل حکومت پهلوی اول، مجلس شورای ملی بودجه وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) را افزود و در مهرماه همان سال وزارت مالیه (دارایی) را مکلف کرد که اعتبارات لازم را هر سال از محل عایدات عمومی بپردازد. در سال ۱۳۲۲ ش مجدداً قانونی

در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین اقداماتی که از سوی دولت و یا توسط اشخاص حقیقی انجام گرفت، «اعزام محصل به خارج از کشور» بود

برای اجرای برنامه‌های تعلیمات اجباری از مجلس گذشت (راوندی، ۱۳۶۷ ش: ۱۱۸). **راوندی**، کارشناس تاریخ اجتماعی ایران، بر این باور است که دولت‌های گذشته (مقصود دولت‌های قاجار و پهلوی است) به جای آنکه قسمت قابل ملاحظه‌ای از بودجه کل کشور را در راه تعمیم فرهنگ و بهداشت عمومی مصرف کنند، بیشتر عواید مملکت را در راه تقویت ارتش بی‌ارزش و غیرملی، و توسعه سازمان‌های پلیسی و جاسوسی، برای حفظ موقعیت سیاسی خود مصرف می‌کردند (همان، ص ۱۱۸).

از عوامل مهم دیگری که در این دوره ایرانیان را با فرهنگ جدید اروپا آشنا و به تجددخواهی متمایل کرد، تأسیس مدارس خارجی و نیز مدارس نوگرای مسیحی - یهودی بود. در سال ۱۲۵۲ قمری نخستین مدرسه پسرانه آمریکایی در ارومیه و در دو سال بعد نخستین مدرسه دخترانه آمریکایی در همان شهر به وجود آمد. در سال ۱۲۷۷ قمری در تهران «لازاریست‌ها» «مدرسه سن‌لویی» را دایر کردند. در سال ۱۲۸۲ قمری جمعیت خواهران سن و نسان دوپل در تبریز، ارومیه، سلماس و اصفهان مدارس دخترانه برپا کردند. در سال ۱۲۸۹ قمری در تهران، در سال ۱۲۹۰ قمری در تبریز، در سال ۱۲۹۸ در همدان (هم‌جوار سنندج) و در سال ۱۳۰۰ قمری در رشت مدرسه پسرانه آمریکایی تأسیس شد. در سال ۱۲۹۲ قمری جمعیت خواهران سن و نسان دوپل، مدرسه دخترانه سن ژوزف را در تهران باز کرد. در سال ۱۳۱۳ قمری، مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران تأسیس شد. در سال ۱۳۱۶ قمری، جمعیت آلیانس فرانسه مدرسه‌ای به همین اسم در تهران افتتاح کرد. در سال ۱۳۲۲ قمری، جمعیت مذهبی انگلیسی استوارت، مموریال کالج را در اصفهان و بعد مدارس دیگری در شیراز و کرمان و یزد برپا کرد (راوندی، ۱۳۶۷ ش: ۹۴ - ۹۳). هم‌زمان با این اتفاقات دو مدرسه در شهر سنندج تشکیل شدند که بدان‌ها اشاره خواهد شد. این مدارس در تبلیغ و تعلیم افکار و اندیشه‌های اروپایی مسیحی و یهودی مؤثر بودند.^۱ نکته‌ای دیگر نیز قابل تأمل و توجه است: در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین اقداماتی که از سوی دولت و یا توسط اشخاص حقیقی انجام گرفت، «اعزام محصل به خارج از کشور» بود که بر اساس آمار سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۳۳۹ ق، از ۲۵۴ نفر از محصلان اعزامی به کشورهای غربی و اروپایی، سهم محصلان کردستان ناچیز است و البته طبیعی نیز بود، زیرا دوره قاجار یکی از سیاه‌ترین دوره‌های تاریخ ایران محسوب می‌شود. لذا با توجه به شرایط سیاسی آن دوران و مبارزات و قیام‌های مردمی در کردستان برای رفع تبعیض و اجحاف ایل قجر و سرکوب این قیام‌ها، به قول امروزی‌ها قطعاً «نورچشمی‌ها» به خارج از کشور که در آن زمان هزینه‌های بسیار سنگینی را به ملت (نه دولت) تحمیل می‌کرد، اعزام می‌شدند.

در این میان تنها یحیی خان پسر حسنعلی خان گروسی که پدرش امیرنظام و وزیرمختار قاجاریه بود و خدمات شایانی به قاجاریه کرده بود، در سال ۱۲۷۵ ق از کردستان، آن هم

۱. که با هدف نفوذ فرهنگی غرب صورت می‌گرفت

به هزینه پدرش، به فرانسه اعزام شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴ ش، ج ۱: ۳۳۵؛ ممتحن الدوله، ۱۳۵۳ ش: ۶۲؛ بامداد، ۱۳۴۷ ش، ج ۵: ۳۳۳؛ سرمد، ۱۳۷۲ ش: ۴۸۱).

یحیی خان گروسی پس از بازگشت به ایران، با درجه سرهنگی در ارتش اشتغال داشت و مدتی نیز فرمانده فوج گروس بود و بعدها برای انتظامات و سرهنگی فوج کرمان بدان جا اعزام شد و در سال ۱۲۸۷ ق نیز در نتیجه ابتلا به بیماری وبا در جوانی در کرمان درگذشت و در بقعه نعمت‌الله ولی در ماهان مدفون شد (ممتحن الدوله، ۱۳۲۹ ش: ۳۶ به بعد). و عجب آنکه پدرش نیز ۵ رمضان ۱۳۱۷ در کرمان درگذشت و در ماهان مدفون گشت (اقبال، ۱۳۲۵ ش: ۳۳-۸).

اینک به معرفی مشهورترین مدارس ولایت کردستان در دوره قاجار می‌پردازیم تا معلوم شود، چه تعداد از مدارس در ولایتی با آن وسعت، از زمان تأسیس دارالفنون تا پایان دوره قاجار، به فعالیت آموزشی مشغول بودند؛ با این توضیح که دو مدرسه کلدانی و آلیانس اساساً دولتی نبودند.

۱. مدرسه کلدانی (۱۳۱۴ ق/ ۱۸۹۶ م): اولین مدرسه جدید سنندج بود و بانی آن

کشیش ابوالواحد نام داشت. مدرسه در محله کلدانیان سنندج واقع شده بود. در این مدرسه علاوه بر زبان فارسی، فرانسه و کلدانی، حساب، تاریخ، جغرافیا و دستور زبان فارسی تدریس می‌شد. نام مدرسه در سال ۱۳۰۷ ش به دبستان پهلوی تغییر کرد (احصائیه وزارت معارف، خرداد ۱۳۰۶ ش؛ سالنامه معارف کردستان، ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ ش).



علی اکبر صادق الملک

استاد حیرت سجادی تاریخچه مدرسه را چنین گزارش می‌کند: «مدرسه کلدانیان اولین مدرسه‌ای بود که به وسیله مؤسسه پرماکد و با جدیت کشیش ابوالواحد در سال ۱۸۹۶ م، مطابق با ۱۳۱۴ قمری و ۱۲۷۴ شمسی در محله کلدانیان (مسیحیان) سنندج تأسیس شد و با کادری مجهز و قوی شروع به کار کرد (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۴).

۲. مدرسه صادق الملک: در سال ۱۳۱۷ ق، مطابق با

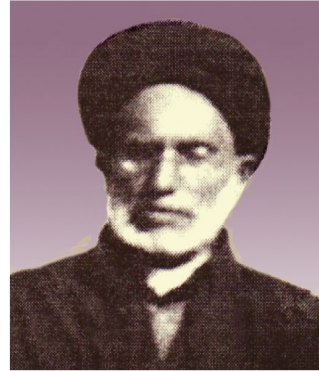
۱۸۹۹ م و حدود ۱۲۷۷ ش، مرحوم علی اکبر صادق الملک (وقایع نگار) در سنندج مدرسه‌ای ترتیب داد و شروع به تعلیم کرد. با کمال تأسف صادق الملک در ۱۳ شوال همان سال بدرود حیات گفت و فقدان وی موجب تعطیل مدرسه شد (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۴).



ملاحسن شکیبا



عبدالکریم دبیری



سید محمدباقر رکن الاسلام

۳. **مدرسه سعادت:** در شهریورماه ۱۲۷۹، مرحوم سید محمدباقر رکن الاسلام در شرایطی سخت و جوی بسیار نامساعد، به کمک ملا احمد قطب الاسلام، مدرسه‌ای با هزینه شخصی تأسیس کرد و آن را مدرسه سعادت نام نهاد (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ش: ۲۴ و سند شماره ۱). مرحومین عبدالکریم دبیری، ملقب به میرزا جناب، سید نجم‌الدین، پدر علاءالدین سجادی، استاد دانشگاه بغداد و صاحب تألیفات عدیده، حبیب‌الله آموزگار، ملقب به ناصرالکتاب و ملاحسن شکیبا در این مدرسه با آنان همکاری داشتند. این مؤسسه علمی با وجود مخالفت‌ها و کارشکنی‌های کوتاه‌بینان که پذیرای ترقی و پیشرفت جامعه به‌سوی مدنیت جدید نبودند، قریب ۱۰ سال به کار خود ادامه داد (همان، ص ۲۶).

از سید محمدباقر رکن الاسلام که تحصیل کرده، روشن و روحانی ستوده‌خصلی بود، دعوت شد تا سرپرستی اطفال مسلمان را در دو مدرسه برعهده گیرد

۴. **مدرسه آلیانس اسرائیلیت سنندج (۱۲۸۰ش / ۱۹۰۰م):** بانی مدرسه «اتحادیه جهانی یهود» بود. اولین مدیر آن مسیو تره‌گانو نام داشت. در این مدرسه علاوه بر درس‌های معموله، زبان‌های فرانسه، عبری و فارسی تدریس می‌شدند. این مدرسه در سال ۱۳۱۵ش به «دبستان اتحاد» تغییر نام یافت. در سال تحصیلی ۱۹۰۶-۱۹۰۵م دارای ۲۰۰ دانش‌آموز بود که از آن میان ۷۵ نفر از دانش‌آموزان، دختران یهودی و غیریهودی سنندج بودند (پیشین).

حیرت سجادی درباره تاریخچه آن می‌گوید:

«مدرسه آلیانس که در سال ۱۳۱۵ق به دبستان اتحاد تغییر نام یافت. در سال ۱۸۹۷ میلادی، مطابق ۱۳۱۵ قمری و ۱۲۷۵ شمسی، به سفارش مؤسسه آلیانس در فرانسه، به‌وسیله مسیو تره‌گانو در خیابان سیروس، محله کلیمی‌ها، تأسیس و شروع به کار کرد و هر چند سال بازسازی برای سرکشی و استحکام موقعیت مدرسه از طرف مؤسسه مزبور فرستاده می‌شد.»

مدرسه معرفت را
حاجی فتح‌الملک
اردلان، معرفت و
گروهی دیگر از
فرهنگ‌دوستان
سنندج تأسیس
کردند

هر دو مدرسه غیراسلامی کلدانی و آلیانس از حمایت وزارت معارف برخوردار بودند؛ چنانچه مدرسه کلدانی‌ها ماهانه ۵۵۰ ریال و مدرسه آلیانس ۱۰۰ ریال کمک‌خرج دریافت می‌داشتند. اشراف و سرمایه‌داران شهر فرزندان خود را در یکی از این دو مدرسه به تحصیل واداشته بودند و چون واهمه داشتند که مبدا تبلیغات مذهبی در عقایدشان رسوخ کند، با مطالعه کافی، از مرحوم سید محمدباقر رکن‌الاسلام که جوانی تحصیل کرده، روشن و روحانی ستوده‌خسالی بود، دعوت کردند تا سرپرستی اطفال مسلمان را در این دو مدرسه برعهده گیرد. از این دعوت استقبال شد و این مأموریت بدون توقع و چشمداشتی چهار سال طول کشید (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۴).

اوژن اوین، در کتاب «ایران امروز» (۱۹۰۷) چنین گزارش می‌کند:
«سنندج، اسقف‌نشین سنه، جنوبی‌ترین سه دایره اسقفی کلدانی کردستان ایران است. کلدانی‌های اردلان (۱۵۰ خانوار) عموماً در کرسی ایالت ساکن هستند و از راه تجارت به ثروت کلانی دست یافته‌اند. پرماکدو در سنندج یک باب مدرسه فرانسوی با ۱۴۰ شاگرد تأسیس کرده است. در این مدرسه پسران آقاهای کرد ایالت اسم نوشته‌اند» (اوژن اوین، ۱۳۲۶ ش: ۳۴۵).

۵. **مدرسه سالاری سنندج (۱۲۸۷ش / ۱۹۰۸م):** مدرسه سالاری (به سال ۱۲۸۷ش / ۱۹۰۸م) به دستور سالارالدوله، حکمران وقت کردستان و به کوشش مظهرالاسلام سنندجی تأسیس شد. نام این مدرسه **مدرسه سالاریه** گذاشته شد. هزینه سالانه مدرسه از منابع پرداخت‌های سالارالدوله، کمک‌های ثروتمندان محل و ماهانه شاگردان فراهم می‌شد (پیشین).

حیرت سجادی می‌نویسد:

«در سال ۱۳۲۳ قمری، مطابق ۱۲۸۳ شمسی و ۱۹۰۵ میلادی، ابوالفتح میرزا سالارالدوله، فرزند مظفرالدین‌شاه و برادر محمدعلی‌شاه قاجار که در کردستان حکمران و صاحب نفوذ و اقتدار بود، در جمادی‌الاول همان سال مدرسه‌ای به نام سالاریه تأسیس کرد که بیش از هفت ماه برقرار نبود و با معزول شدن او در ماه ذوالقعدة از حکومت کردستان، تعطیل شد. مدیر این مدرسه مرحوم ابوالبقا مظهرالاسلام بود (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۶).

۶. **مدرسه معرفت سنندج (۱۲۸۶ ش / ۱۹۰۷م):** مدرسه معرفت را حاجی فتح‌الملک اردلان، معرفت و گروهی دیگر از فرهنگ‌دوستان سنندج تأسیس کردند. این مدرسه اگرچه به‌ظاهر دبستان بود، اما سطح دروس آن در حد اول متوسطه بود. مدیریت آن را رستم‌خان معروف به ناظم به عهده داشت. این مدرسه یک سال پس از گشایش منحل شد (احصائیه وزارت معارف، خرداد ۱۳۰۶ ش؛ سالنامه معارف کردستان ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ ش).

سجادی دربارهٔ مدرسه معرفت می‌نویسد:
«حاج فتح‌الملک اردلان در ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۲۸۷ شمسی به یاری حاج شیخ یحیی معرفت، ملقب به اعتضادالاسلام مدرسه‌های به نام معرفت دایر نمود که آن هم پس از یک‌سال پایدار نماند و منحل شد.»



شیخ یحیی معرفت (اعتضادالاسلام)

۷. **درسهٔ دانش:** «در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ ق، میرزا عبدالکریم دبیری در منزل خود دو کلاس تشکیل داده بود و آن را مدرسهٔ دانش نام کرده بود» (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۶).

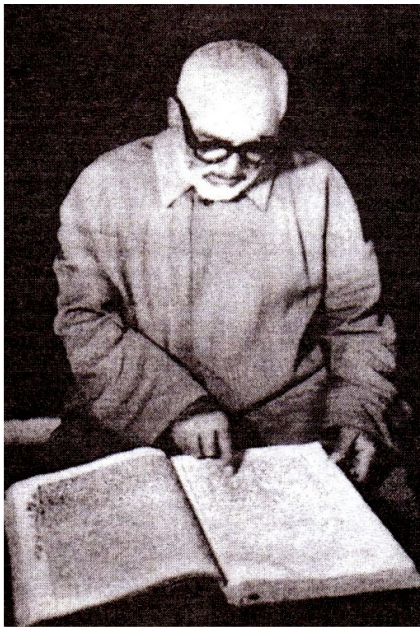
۸. **مدرسهٔ احمدیه سنندج (۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۴ م):** «شش سال پس از انحلال مدرسهٔ معرفت، یعنی در سال ۱۲۹۳ ش، در زمان حکومت سردار محیی و ریاست افتخاری فریدالدوله در ادارهٔ معارف، این مدرسه دوباره به نام مدرسهٔ احمدیه بازگشایی شد. علاوه بر شاگردان روزانه، بیست نفر شاگرد بی‌بضاعت نیز به‌طور شبانه‌روزی در آن مدرسه درس می‌خواندند. مدرسهٔ احمدیه در سال ۱۳۰۵ ش به دبیرستان مبدل شد و در سال ۱۳۱۶ ش دارای شش کلاس متوسطه بود. برابر با احصائیهٔ سال ۱۲۹۷ ش وزارت معارف، تعداد شاگردان این مدرسه در آن سال هفتاد نفر بوده است و طبق احصائیه وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ ش، درآمد سالانهٔ مدرسهٔ احمدیه ۲۴۱۴۷ قران، و مخارج سالانهٔ آن ۲۴۱۴۷ قران بود. این مدرسه دارای ۱۴۴ شاگرد پسر و هفت معلم بوده است (پیشین). در سال ۱۳۲۸ ق، مطابق با ۱۲۸۷ ش، حکم ریاست معارف و صنایع مستظرفه برای رکن‌الاسلام صادر و ابلاغ شد. در این موقع ریاست اوقاف با ملا جواد شیخ‌الاسلام بود. مرحوم رکن‌الاسلام بلافاصله نام مدرسهٔ سعادت را به محمدیه تغییر داد تا به حرمت این نام مقدس، عناد و کارشکنی متوقف شود.

اما باز عده‌ای ناآگاه و شاید مغرض که می‌دیدند این بار مدرسه، صورت رسمی‌تری به خود گرفته و تحت پوشش و حمایت دولت قرار دارد، به تحریک افراد متعصب و قشری و نیز به‌وسیلهٔ گروهی منتسب به آنان، هر شب دستبردی به مدرسه می‌زدند. شبی پروند و اسناد را آتش می‌زدند، شبی تابلوی مدرسه را می‌زدیدند، و دیگر شب هیزم‌هایی را که برای سوخت زمستانی مدرسه خریداری شده بود به آتش می‌کشیدند. رکن‌الاسلام همکاران خود را دلداری می‌داد و آنان را به مقاومت و پایمردی وامی‌داشت.

در ماه ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۲، فریدالدوله همدانی به ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کردستان منصوب شد و مرحوم رکن الاسلام و ملا جواد شیخ الاسلام، رئیس اوقاف، منتظر خدمت شدند. فریدالدوله به محض ورود به سنندج به دستور وزارتخانه نام مدرسه محمدیه را به مناسبت حکومت احمدشاه قاجار، به احمدیه بدل کرد. زیرا در آن وقت تمام شهرهای ایران مدرسه احمدیه داشتند. آقای فریدالدوله آقای عطاءالله معتمدی، فرزند حاج معتمدالاسلام را که جوانی شایسته و تحصیل کرده بود، به نظامت آنجا برگزید.

در ماه حوت (اسفند) همان سال، فریدالدوله به تهران فراخوانده شد و مجدداً از طرف وزارتخانه، ریاست معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به مرحوم رکن الاسلام حیرت محول شد (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۹).

۹. مدرسه اتحاد سنندج (۱۲۹۷ ش / ۱۹۱۸ م): این مدرسه هنگام ریاست معارف حاجی نصیرالاسلام تأسیس شد. مخارج دبستان از کمک مردم و ماهانه شاگردان فراهم می‌شد. در سال ۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م، به علت کسری درآمد، مدرسه در شرف انحلال بود، ولی نصیرالدوله (بدر)، وزیر معارف وقت اقداماتی به عمل آورد که از درآمد دخانیات ماهانه ۲۵۰۰ ریال به نام کمک به آموزشگاه تخصیص داده شود و دبستان از حالت پریشانی رهایی یافت.



عبدالباقی مدبری

این مدرسه در سال ۱۳۱۴ ش به دبستان «هدایت» تغییر نام یافت. طبق احصائیه وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ ش، درآمد سالانه مدرسه ۱۴۸۵۲ قران و مخارج آن ۱۴۸۵۲ قران بود و تعداد شاگردان آن ۱۳۰ نفر بودند که به‌رایگان تحصیل می‌کردند. تعداد معلمان مدرسه طبق آمار مذکور هفت نفر بوده است (پیشین).
عبدالحمید حیرت سجادی درباره وضعیت اداره مدرسه اتحاد می‌نویسد:

«در سال ۱۲۹۵ ش، رکن الاسلام مدرسه اتحاد را تأسیس نمود و اثابیه ایتاعی و قدیمی خود را که برای تشکیل مدرسه سعادت تهیه کرده بود، به اموال این مدرسه اهدا و ضمیمه نمود. مدرسه اتحاد با آنکه در آغاز مدرسه دولتی بود، اما بر اثر ضعف حکومت مرکزی و عدم بودجه، اداره آن با مشکلات مالی مواجه شد. مرحوم حیرت برای اداره این دو مدرسه از هریک از بازاریان خیر و تعدادی از اعیان و ملاکان شهر ماهیانه

مبلغی دریافت می‌نمود و نیز با مکاتبات عدیده که با وزارتخانه داشت، موفق گردید در صدی از درآمد دخانیات کردستان را که حدود دویست تومان در ماه بود، به اضافه مالیات تومانی یک عباسی و خرواری یک قران، برای تأمین امور فرهنگی منظور و زیر نظر مالیه و عدلیه هزینه نماید.

در سال ۱۲۹۸ش به دستور اداره مالیه (دارایی) در ۲۴ نقطه اطراف شهر سنندج که مدخل کالاهای روستایی به شهر بود، مراکزی به نام نواقل، محل اخذ عوارض کالا تشکیل شد و اشخاص امین و درستکاری عوارض و مالیات را دریافت می‌نمودند و هر روز مبالغ جمع‌آوری‌شده را به اداره مالیه تحویل می‌دادند. این روش سال‌ها ادامه داشت. قبلاً حقوق معلمین از پرداخت شهریه دانش‌آموزان و کمک ملاکین شهر تأمین می‌شد. از آن پس معلمین با دلگرمی بیشتری به کار مشغول شدند، زیرا از زیر بار منت ثروتمندان منت‌گذار رهایی یافتند» (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ش: ۳۳).

۱۰. دبستان احمدیه سقز (۱۲۹۶ش / ۱۹۱۷م): نخستین دبستان را در شهر سقز، گروهی از فرهنگ‌دوستان تأسیس کردند. مدیریت و سرپرستی مدرسه را جلال‌الدین امیر عزیزی عهده‌دار بود. این مدرسه در سال ۱۲۹۸ش منحل شد. در احصائیه ۱۳۰۶ش وزارت معارف، تاریخ تأسیس این مدرسه ۱۳۰۱ش ذکر شده است. احتمالاً این تاریخ بازگشایی مدرسه است. طبق همان احصاییه، تعداد شاگردان مدرسه ۶۲ نفر بود که از آن میان ۲۴ نفر به‌رایگان مشغول تحصیل بودند. تعداد معلمان مدرسه نیز پنج نفر گزارش شده است (پیشین). حیرت سجادی در خصوص تاریخ تأسیس مدرسه می‌گوید:

«پس از جنگ بین‌الملل اول که منطقه پرتلهاب و ناامن کردستان، آرامشی نسبی به خود گرفت، معارف‌خواهان و روشن‌فکران دلسوز در هر یک از شهرستان‌ها، به‌منظور تنویر افکار مردم و رشد و شکوفایی عقلانی آن‌ها، به فکر تشکیل مدارس جدید به سبک دارالفنون افتادند. در سقز نیز ملا جلال‌الدین امیر عزیزی، معروف به سرهنگ زاگرس، فرزند امین‌الشرع، دامن همت به کمر بست و به کمک جمعی از متنفذین محلی، علیرغم مخالفت‌های افراد قشری و متعصب، مدرسه‌ای ملی دایر نمود.

اما چون افکار جامعه در سطحی بسیار پائین قرار داشت ملاجلال‌الدین با همه مقاومتی که در برابر مکتب‌داران سنتی از خود نشان داد، به زانو درآمد و انحلال مدرسه‌اش عملی شد و تکفیرش موجب فراری شدن او از سقز و وارد ارتش شدنش گردید. تاریخ تأسیس این مدرسه یقیناً بعد از سال ۱۲۹۶ شمسی بوده است، زیرا در نامه‌ای که مرحوم سید محمدباقر رکن‌الاسلام (والد ماجدم)، رئیس معارف وقت، در تاریخ آبان‌ماه



جلال‌الدین امیر عزیزی

در سایر مناطق
کردنشین نیز
تأسیس و گسترش
مدارس جدید،
هم‌زمان با شهرهای
ولایت کردستان،
انجام می‌گرفت

۱۲۹۸، به حکومت سقز و بانه می‌نویسد و از او در مورد انتخاب صدرالعلماء ملا عبدالعزیز مفتی برای ریاست معارف آنجا نظر خواهی و طلب مساعدت می‌کند، تا آن وقت مدرسه دایر اما (ترتیب درستی نداشته و) مورد رضایت نبوده است (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۵۷).

۱۱ دبستان سقز (۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱ م): از طرف اداره معارف و تحت مدیریت عبدالباقی

مدیری تأسیس شد. این مدرسه بعداً به دبیرستان شاهپور موسوم شد (پیشین). در خصوص این دبستان، عبدالحمید حیرت سجادی گزارشی مستند به نامه سیدمحمد باقر رکن‌الاسلام (رئیس اوقاف کردستان) نگاشته شده به سال ۱۳۰۲ ش آورده و درباره تاریخ تأسیس آن نیز دیدگاه خود را بیان داشته است. وی می‌نویسد:

«از قرار معلوم در اواخر سال ۱۲۹۸، مرحوم صدرالعلماء، مفتی سقزی، بنا به پیشنهاد ریاست معارف کردستان، از طرف وزارت معارف و اوقاف، به نمایندگی معارف و اوقاف شهر سقز منصوب می‌شود. این نمایندگی تا سال ۱۳۰۱ که میرزاعبدالباقی بدیع مدیری از سنندج به سقز می‌رود و در آنجا مدرسه ملی چهار کلاسه‌ای به نام احمدیه دایر می‌کند، حکمی بی‌محتوا و بی‌پایه و اساس بوده و مدرسه‌ای وجود نداشته است که اداره معارف، یعنی صدرالعلماء، مفتی سرپرستی آن را داشته باشد».

در سال ۱۳۰۲ که سید محمدباقر رکن‌الاسلام رئیس اوقاف کردستان بود، چنین نامه‌ای به جناب شیخ رؤف ضیایی می‌نویسد:

«مدرسه میرزا عبدالباقی بدیع مدیری چهار کلاسه و مواد درسی آن ادبیات فارسی، نصاب، شرعیات، ریاضیات (سیاق و هندسه) تاریخ و جغرافیا است. معلمین برجسته‌ای چون ملا عبدالغفور (امام جمعه)، ملا محمدصادق عارفی، شیخ محمد شریف بدیع، ملا عبدالوهاب امام‌زاده، صدرالعلماء، ملا عبدالعزیز مفتی و ملا فخرالدین نعمانی، فرزند ملا عبدالعزیز (امیر عزیزی) که قبلاً هم با ملاجلال‌الدین همکاری داشتند، در این مدرسه تدریس می‌کردند. بنا به گفته مرحوم آقای شیخ نافع مظهر، از هر دانش‌آموز ماهیانه ۶ ریال برای مخارج مدرسه و حقوق معلمین دریافت می‌شد (برای آن زمان مبلغ زیادی بوده و دیر می‌شود باور کرد). این مدرسه پس از دو سال دبستان کامل شش کلاسه‌ای شد و جناب صدرالعلماء مفتی همچنان رئیس اداره معارف بود و بر این مدرسه نظارت کامل داشت» (حیرت سجادی، ۱۳۸۰ ش: ۲۵۷).

در سایر مناطق کردنشین نیز تأسیس و گسترش مدارس جدید، هم‌زمان با شهرهای ولایت کردستان، انجام می‌گرفت که برای نمونه می‌توان به مدرسه سعادت مهاباد (تأسیس ۱۳۳۵ ق / ۱۹۱۶ م)، مدرسه محمدیه تکاب (۱۲۹۷ ش / ۱۹۱۸ م)، مدرسه سعادت شاهین‌دژ (صان: قلعه) (۱۲۹۶ ش / ۱۹۱۷ م)، مدرسه محتشمیه کرمانشان (۱۳۱۷ ق

۱۸۹۹/م)، مدرسه اسلامیة کرمان (۱۳۱۷ ق / ۱۸۹۹م)، مدرسه علمیه اسلامیة کرمان (۱۳۱۹ ق / ۱۹۰۱ م) مدرسه رشدیة کرمان (۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م)، مدرسه حقوق کرمان (۱۳۲۶ ق / ۱۹۰۸ م)، مدرسه نصرت کرمان (۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ م)، مدرسه دولتی احمدیه کرمان (۱۳۳۰ ق / ۱۹۱۱ م)، مدرسه محمدیه کرمان (محرم ۱۳۳۲ ق / ۱۹۱۳ م) مدرسه صمصامیه قصر شیرین (۱۳۳۲ ق / ۱۹۱۳ م)، مدرسه اخوت کنگاور (۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م)، مدرسه احتشامیه کرند (۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م)، مدرسه جوادیه صحنه (۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م)، مدرسه امیریة سنقر (۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م)، مدرسه اقبالیة گوران (۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م)، مدرسه کیوان کلیایی (اواخر دوره قاجار) (قاسمی پویا، ۱۳۷۷ ش: ۳۸۴-۳۸۳ و ۴۶۱-۴۵۵).

علاوه بر این مدارس، مدارس یهودیان و مسیحیان ساکن در کردستان نیز قابل ذکرند: همچون مدرسه آلیانس اسراییلیت کرمان (۱۲۸۱ ش / ۱۹۰۲ م)، مدرسه آلیانس اسراییلیت دخترانه کرمان (۱۲۸۱ ش / ۱۹۰۲ م)، مدرسه آلیانس اسراییلیت قصر شیرین (از شعبه‌های مدرسه آلیانس کرمان)، مدرسه آلیانس اسراییلیت کرند (از شعبه‌های مدرسه آلیانس کرمان)، مدرسه ارمنه کرمان (۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳ م) (قاسمی پویا، ۱۳۷۷ ش: ۵۴۲). در این مدارس علاوه بر اینکه به یهودیان و مسیحیان آموزش داده می‌شد، تعدادی از اطفال مسلمان نیز تحصیل می‌کردند.

در خاتمه باید گفت در کنار نظام آموزشی جدید، به پیروی از نظام آموزشی اروپایی، عوامل دیگری نیز در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه کردستان مؤثر بود که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «ایجاد کارخانه‌ها، راه‌سازی، کشیدن خطوط تلگراف، گسترش سیستم پست و گمرک، تأسیس بانک، و گسترش روزنامه و مطبوعات و به تبع آن چاپخانه‌ها». همه این موارد در انتشار آداب و رسوم و تمدن و فرهنگ جدید در کردستان مؤثر بودند.

جامعه کردستان، همچنان که گفتیم، پیش از پذیرفتن روش جدید آموزش و تأسیس مدارس به شکل امروزی و بعدها در قالب آموزش عالی دانشگاه‌ها، همچون سایر مناطق ایران، برای برآوردن نیازهای آموزشی خود سازمان‌هایی داشت و آموزش رسمی در مکتب‌خانه‌ها، مدارس دینی (حوزه‌های علمیه)، و گاهی مراکز تعلیم خصوصی انجام می‌گرفته است. برای اینکه بتوان مسائل نظری را در قالب کار اجرایی درآورد، در زمینه آثار و فرایند نظام آموزشی جدید (باسابقه بیش از یک سده) بایسته است به یک حقیقت اعتراف نمود که البته کردستان را نیز دربرمی‌گیرد: «پیدایش انقلاب صنعتی - آموزشی در اروپا و تحولات عظیم آن، تغییراتی جدی در مناسبات انسانی به وجود آورد و در نتیجه نظام استاد - شاگردی به تدریج از شکل قبلی خود خارج و در قالب نظام جدید جای گرفت.

این تحولات در کشورهای در حال گذار از جمله ایران آن زمان که توسعه درون‌زا نداشته‌اند، برای نظام آموزشی استاد - شاگردی ویرانگر بوده است. در نتیجه این نظام که می‌توانست با انتقال تجربه، از گذشته کمک بگیرد، از نقش خود باز ایستاد و ارتباط میان

علوم و فناوری نوین که باید در هر حال حفظ می‌شد، از هم گسیخت. بدون چنین ارتباطی روند صنعتی شدن کشور و توسعه و رشد همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی با مشکل مواجه شد. اما این واقعیت را نباید فراموش کرد که در دوره پهلوی اول، به تقلید از اروپا و به‌ویژه کشور همسایه ترکیه، تحولات صنعتی، آموزشی و فرهنگی در حد امکانات و شرایط موجود انجام گرفت؛ اگرچه کشورهای مثل مالزی یا کره جنوبی که خیلی دیرتر با این تحولات آشنا شدند و حتی تاریخ استقلال مالزی از حدود ۶۰ سال فراتر نمی‌رود، بر مرکب فناوری نوین سوار شدند و رشد و توسعه فراگیری را برای کشور خود رقم زدند، ایران با سابقه بیش از یک سده از آموزش جدید نتوانست تحولات چشمگیر خود را به نمایش گذارد.

منابع

۱. اقبال، عباس (۱۳۲۵ش). «حسنعلی خان امیرنظام گروسی». ماهنامه یادگار. سال سوم. شماره ۶.
۲. بامداد، مهدی (۱۳۴۷ش). شرح حال رجال ایران (ج ۵). انتشارات زوّار. تهران. چاپ دوم.
۳. حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۸۰ش). پیشینه آموزش و پرورش کردستان (ج ۱). نشر عابد، تهران.
۴. راوندی، مرتضی (۱۳۶۷ش). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. انتشارات نگاه. تهران. چاپ دوم.
۵. دولتی، بلال (۱۳۷۸ش). «آموزش». مجموعه مقالات سیمای فرهنگی ایران. به کوشش عباس نامجو. انتشارات عیلام. تهران.
۶. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲ش). اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه). چاپ و نشر بنیاد. تهران.
۷. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷ش). مدارس جدید در دوره قاجاریه: بنیان و پیشروان. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
۸. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴ش). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (ج ۱). دانشگاه تهران.
۹. مصاحب، غلامحسین (۱۳۶۵). دایرةالمعارف فارسی (بخش اول). انتشارات فرانکلین (امیرکبیر). تهران.
۱۰. ممتحن الدوله، مهدی شاقفی (۱۳۵۳). خاطرات ممتحن الدوله. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۱۱. (۱۳۲۹ش). «امیرنظام گروسی (حسنعلی خان)». مجله آموزش و پرورش. سال بیست و چهارم. شماره ۱.